

نقد و معرفی معماری دیکانستراکشن (با مروری بر آثار زاها حدید، پیتز آیزنمن و فرانک گهری)

پیمان نقی پور^{*۱}

۱- کاردانی پیوسته رشته نقشه‌کشی معماری و مؤسسه آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی صبا ارومیه، ایران
Email: peyman.naghipour@yahoo.com

چکیده

دیکانستراکشن یک سبک معماری است که از بطن فلسفه و مباحث فکری نیمه دوم قرن گذشته در غرب ظهور کرد. دیکانستراکشن در فارسی به ساختار زدایی، شالوده شکنی، واسازی، بنیان فکنی، ساختارشکنی و بن فکنی ترجمه شده است. شاید این کثرت اسامی به دلیل آن باشد که دیکانستراکشن یک نگرش چند وجهی و چند معنایی به دال و مدلول و هر نوع متنی دارد. مقارن با تحولات عظیمی که در چند قرن اخیر در حوزه تفکر صورت گرفته معماری نیز دستخوش دگرگونی‌هایی شده است که بازخورد آن را می‌توان در تعدد سبک‌ها مشاهده کرد. هر تفکر جدید یا نظریه علمی تازه موجب ایجاد سبکی نو در معماری شده است. یکی از این موارد، معماری یا سبک دیکانستراکشن است که با حضور خود تغییرات شگرفی را در معماری از لحاظ ساختار و زیبایی شناسی ایجاد کرده است. این مسئله (توجه به علم روز) نه تنها در این سبک‌ها، و نه فقط در معماری، بلکه در همه‌ی جوانب زندگی بشر امروز تأثیر گذارنده و با جهت‌گیری‌اش، سمت‌وسوی بسیاری از مسائل را عوض می‌کند. هر نظریه‌ی جدید (در فلسفه و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و علوم تجربی و...) چون طوفانی می‌ماند که سایر ارکان زندگی بشر را با اصول خود همسو می‌سازد و در واقع معماری نیز به عنوان یکی از این ارکان، می‌تواند تجسم این تفکرات باشد. در این راستا در این مقاله سعی شده است تا نقد و معرفی معماری دیکانستراکشن (با مروری بر آثار زاها حدید، پیتز آیزنمن و فرانک گهری) مطرح و ارائه داده شود. از اهداف انجام این پژوهش، نشان دادن روشی کامل و گویا جهت آشنایی بیشتر دانشجویان و دانش آموختگان معماری با سبک‌های نوین معماری (سبک معماری دیکانستراکشن) و آثار معمارانی بزرگ در این زمینه است.

واژه‌های کلیدی: دیکانستراکشن، معماری دیکانستراکشن، فلسفه دیکانستراکشن، ژاک دریدا، پیتز آیزنمن

۱- مقدمه

در گستره جهان امروز انسان، یکتا سوار عرصه ذهن، زمینه وسیعی بر شکل‌گیری افکار و ایده‌های نو به وجود آورده است؛ معیارهایی مؤثر که با اندکی تعدیل، با تعریف خط‌مشی مناسب، راهگشای افق‌های گسترده‌ای واقع شده است. گذشت زمان در میان هزاران گونه انتخاب و عمل بر تداوم فیزیکی بشر افزوده و بر تعدد ساخته‌های او می‌افزاید، اما نباید فراموش کرد که معنی حضور ما در گستره اندیشه درک خواهد شد و اندیشه یک معمار، سازنده و سامان دهنده ساختاری است که وی بنا می‌کند. مهندس معمار، کاتسو هیرو کوبایاشی اظهار می‌دارد: "معماری هنر است که بشر را به طور عمده با قدرت ذاتی فرم خود مسحور می‌کند"؛ به منظور درک دقیق‌تر این مطلب باید گفت که مهم‌ترین نقش معماری تغییر در زمینه فرهنگی موجود است و توانایی معماری برای تأثیر بر چنین تغییر شکلی، نخست زیبا شناسانه است. به عبارت دیگر، مسئولیت معماری افزون بر